

نبود مدیریت کار آفرین در سرمایه گذاری ها



مرداراهداری

عضویت علمی دانشگاه

طبیعی است که امکان بررسی همه شرکت ها و سرمایه گذاری های منتج از صندوق های بیمه ای اجتماعی در این مختصر نیست، اما همان طور که در فرهنگ ما اصطلاحا گفته اند: ممت نمونه خروار است و علم آمار نیز آن را تحت عنوان جامعه نمونه پذیرفته است و در علم منطق به آن تعمیم روش استقرایی به کل می گویند. در جلسهای که با یکی از مدیران شرکت سرمایه گذاری بیمه ای در ذیل سازمان تأمین اجتماعی داشته ام، چنین برآورد شد که حدود ۶۰ درصد شرکت های توابع، متأسفانه زیان ده شده اند! اگر با قیمت های ثابت و حقیقی -حذف تأثیر تورم روی ارقام سود- چه بسا اوضاع وخیم تر باشد! چرا این سرمایه گذاری ها که قرار بود دستگیر و گرهگشا در زمان مبادا برای صندوق بیمه اجتماعی باشد، چنین خود نیازمند کمک شده و مضمحل شده است؟ البته چون دیگر صندوق ها نیز در شرکت های سرمایه پذیر مشارکت دارند، اوضاع دیگر صندوق های شریک نیز به همین شکل نامطلوب است.

این معضل، آسیب شناسی گسترده ای لازم دارد؛ مدیریت فهیم، خیره، سالم و دلسوز در این صندوق ها باید طی کارگروهی برای شناخت این بیماری، کالبدشکافی کند. معالوف بخش از آن به اوضاع اقتصاد ایران مربوط می شود، طرفی که در آن فعالیت اقتصادی صورت می گیرد و نمی تواند اقتصاد پسته ای داشته باشد و حسب ضرورت در تعامل با اقتصاد جهانی دچار ناهمواری هایی است. اما بخشی از عوامل مربوط به سوءمدیریت و گاه غفلت از سازوکارها و فسادهایی است که این حوزه اغلب به آن گرفتار شده است و این یادداشت این زاویه را هدف تحلیل قرار داده است. برای روشن شدن موضوع و آشکارسازی این وجه مهم و پنهان از ناترازی صندوق های بیمه اجتماعی، به طور مشخص اوضاع یک شرکت را بررسی می کنیم، وضعیت آن با اندکی اغماض، قابل تعمیم به بعضی از دیگر شرکت های سرمایه گذاری شده است.

یک شرکت تولیدی وجود دارد که در توابع شرکت سرمایه گذاری سازمان مورد مثال است. این شرکت تولیدی خود دارای سه شرکت تولیدی دیگر است، در صنعت لوله سازی تقریباً از نوع PVC فعالیت می کند. محصولات آن در انتقال آب، فاضلاب، گاز و نظایر اینها کاربرد دارد. درواقع جزئی از صنایع پایین دستی صنعت پتروشیمی است. سال ها در اقتصاد ایران تاکید بر عدم خام فروشی شده است و این سرمایه گذاری از این نظر موجه و بلکه از دیدگاه ارزیابی طرح های سرمایه گذاری نیز توجیه داشته است. چه در بازار داخل و چه در بازار خارج و کشورهای همسایه بازار هدف بزرگی دارد. اما همین مجموعه، در سال های گذشته که تا به امروز ادامه یافته است، دچار بیماری سوءمدیریت و فراتر از آن گرفتار حیف شدن منابع شده است. محل خط تولید اصلی در ساهو، شهر صنعتی کاوه است، اما در قشم، کرمان و حتی به نوعی در بندر امام خمینی نیز شرکت و خطوط تولید دارد و تقسیم کار مفیدی صورت گرفته است. خیلی عجیب است که در زمین صنعتی و محل خط تولید اصلی، فرد خصوصی حقیقی دارای مالکیت خاص می شود؛ به محض و طی چند سال، سود شرکت تصفیه، درصد سهام شرکت سرمایه گذاری مادر از اکثریت قاطع به نسبی و به کمتر از ۵۰ درصد می رسد، چنان بازیگران محدود بخش خصوصی توانسته اند سهام آزاد را در بازار سرمایه جمع کنند که انسان از نقش شرکت مادر حیران می شود! سهام داران جزء، معتقدند که با ثباتی اجازه رشد بهای سهم را نمی دهند و این خود شرح مفصل دارد، طبق فیلم ضبط شده در مجمع عمومی، آنها می گویند به طور باورنکردنی با اختلال در تولید، بازاریابی، فروش و سود نیز دست اندازی کرده اند. تا به آنجا که ارزش کل شرکت را با آن همه سرمایه گذاری در زمین و تأسیسات خط تولید در چند نقطه کشور، معادل ارزش یک آپارتمان ۱۲ واحد ۱۲۰متری در مناطق متعارفی از تهران رسانده اند. این شرکتی که می توانست با ادغام و هم افزایی در صنایع پتروشیمی ذیل شرکت مادر، مشابه زنجیره تولید صنعت فولاد از سنگ آهن تا ورق، بسیار خوب ظاهر شود، ارزش افزوده مضاعف ایجاد کند و سودآور و توسعه پذیر باشد، چنین به اضمحلال رفته است! گرفتار تعارض منافع شده است؛ در منجانب بورس بازی منفی سازی افتاده است که تعداد معدود حقیقی با بازی ناسالم به بار آورده اند. ظاهراً طبق نظر بعضی از شرکا، طرح تصاحب یکجای آن را به ثمن بخش به کمک ارتباطات دارند.



شنبه ۲۲ دی ۱۴۰۳
۱۰ رجب ۱۴۴۶
۱۱ ژانویه ۲۰۲۵
سال بیست و یکم
شماره ۵۰۲۳
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

ولایت امام محمدتقی در تبریک می گویم

روزنامه



کب و گفتنی با مجتبی جباری از دیزوهای دور تا امروز

مولانا اگر بود

از من شکایت می کرد

صفحه ۱۰



در «شرق» امروز می خوانید: نگاهی به فیلم های برتر هشتاد و دومین جوایز گلدن گلوب • آفلانزا با ۳۰ درصد در صدر عفونت های تنفسی در کشور • سرمربی پرسپولیس یا اروپایی است یا اهل آمریکای جنوبی

همایش یک روزه گفت و گوی ملی برای وفاق در ستایش گفت و گو و تبیین اتحاد ملی با حضور رئیس جمهور برگزار شد

در ستایش «شنیدن»

• پزشکيان: منيت ها اجازه نمی دهد حق ديگران دیده شود • ظريف: وفاق به معنای شنیدن مخالفان دولت و شنیدن مردم است



این گزارش را در صفحه های ۳ و ۴ بخوانید. عکس: علیرضا صورتی/ایرنا

برگزاری آیین سالگرد درگذشت آیت الله همزمان با افتتاح مرکز جامع سرطان هاشمی رفسنجانی

آرمانی که واقعیت یافت

گزارشی از ممنوعیت حضور سید محمد خاتمی که انتقادات زیادی را کلید زد وفاق در جاده های یک طرفه؟

یادداشت

نه کارگری مهم است و نه حمام شیر



مهرداد احمدی شیخانی

در همین ابتدای یادداشت باید به نکته ای اشاره کنم و بعد وارد موضوع شوم. مسئله این است که در این چهار دهه ای که به طور جدی درگیر فعالیت رسانه ای هستم، از منظر خودم، دو دوره را بهترین دوران برای کار مطبوعاتی یافته ام؛ یکی دوران اصلاحات و دیگری همین ایام پس از انتخابات ریاست جمهوری امسال. پیش از ورود جدی ام به عرصه رسانه و در سال های پس از پیروزی انقلاب، آنچه در کار رسانه شاهد بودیم، بیشتر نشانه ای از یک «هرج و مرج» بود تا «آزادی رسانه». پس از وقایع ابتدای دهه ۶۰ هم تا رسیدن به ایام اصلاحات، بیشتر به یک سراسیمگی ملایم و مستمر شبیه بود که رسانه ها را در وضعیت حداقلی، حفظ می کرد و فقط پس از دوم خرداد ۷۶ بود که ناگهان بهار مطبوعات رسید و البته تداوم نیافت و بعد سرعت شیب نزولی شدید تر شد تا دولت سیزدهم که تقریباً به حداقل ها رسیدیم و ناچار به احتیاط بسیار در نوشتن و گفتن و البته حق این است که در این شش ماه، فضای دیگری را تجربه می کنیم؛ تجربه ای که برای خود من، این حس را به وجود آورده که از دو سو، تعقل و مدارای بیشتری را شاهدیم و حق آن است که چنین اتفاقی را مهم بدانیم. هرچند با ازدست رفتن مرجعیت رسانه و خروج آن از کشور در ۲۰ سال اخیر، آنچه باید رخ دهد تا دوباره مرجعیت رسانه به کشور بازگردد، بسیار بیشتر از اینهاست و امید که آنچه لازم است تا مرجعیت رسانه به کشور بازگردد، یعنی آزادی رسانه های تصویری در داخل کشور و نه انحصار آن در دست رسانه ملی، تحقق یابد، که بدون چنین اتفاقی، همچنان مرجعیت رسانه در بیرون از کشور باقی خواهد ماند.

اما آنچه موضوع این یادداشت است، همایش وفاق است که پنجشنبه گذشته برگزار شد؛ همان وفاقی که باید انصاف داد اگر آنچه در مقدمه بالا به آن اشاره کردم، محقق شده، ناشی از همان وفاق است. همایشی که انصاف باید داد که تا شش ماه پیش، حتی ذره ای احتمال آن در ذهن

یادداشت

در تکاپوی نظم امپراتوری



کیاکوس بورایوبی

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری منتخب ایالات متحده آمریکا، مرزهای ترسیم شده جهان را قبول ندارد و درصدد است تا تغییر محسوس در آن ایجاد کند. کانادا، گرینلند و کانال پاناما اولین جغرافیای سیاسی جهان هستند که ترامپ به چشم خریدار نگاه می کند و چشم ها را به آن سو دوخته است. این در حالی است که اروپا در قرن هفدهم میلادی پس از جنگ ۳۰ساله مذهبی در صلح موسوم به وستفالی، مرزهای جدیدی را پذیرفت و قریب به ۳۰۰ کشور کوچک و بزرگ که حدود و ثغوری نداشتند، موافقت کردند مرزهای جدید را به رسمیت بشناسند؛ یا پس از جنگ جهانی اول با منطقی شدن امپراتوری عثمانی کشورهای کوچکی با مشخص شدن مرزهای جغرافیایی البته تحت حمایت قدرت های بزرگ در خاورمیانه شکل گرفتند. اگر در روزگاری سیاست تعارض به خاک ملت های دیگر را سیاستی موفقیت آمیز می دانستند، گام به گام تصمیم گرفتند دولت-ملت ها را در نظم جدید جایگزین نظم امپراتوری کنند، اگرچه دامنه مرزها تا قرن بیستم مدام در حال جابه جایی بود، اما اساس نظم نوین همان مرزهای دولت-ملت ها بوده است. در دوران جنگ سرد با تقسیم بندی بلوک های قدرت بین دو ابرقدرت صفا آرای جدیدی در تدوین و ترسیم مرزها انجام شد و بلوک ها به صورت قدرتی انعطاف ناپذیر فروپاشی مرزها را قبول نمی کردند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مرزهای جدیدی بدون خونریزی و به شکلی مسالمت آمیز پدید آمدند؛ ایالت هایی که در قفقاز و کنار روسیه از آن کشور جدا شدند، شکاف بزرگی در مرزهای بین المللی ایجاد کردند، اما ترسیم مرزها در شبه جزیره بالکان با خونریزی های شدیدی توأم بود، به باور بسیاری از

برگزیده ها

مشاهدات میدانی از مکران که به عنوان جایگزین تهران مطرح می شود

پایتخت فقر

«شرق» راه افتادن دوباره بحث موهوم زنگزور را واکاوی می کند

خطای باکو

گزارشی از وضعیت خانواده های معدنچوی طیس بعد از چهار ماه

رد حقی پایمال شده

پس از انفجار: روایت فقر در خانه معدن کاران طیس

باز هم حواشی ای برای حضور زنان در ورزشگاه

تداوم رفتارهای عجیب با دختران تبریزی، اصفهانی و اهوازی

سخنی با رئیس جمهور و وزیر آموزش و پرورش

نقطه آغاز اصلاح آموزش و پرورش

یادداشتی از علی اصغر سیدآبادی

چرا «گرینلند» برای ترامپ مهم است؟

یادداشت

وظایف نمایندگان دخالت در امور اجرائی نیست



علی ظفرزاده

دبیرکل جمعیت تولیدگران ایران

نمایندگان مجلس، قبل از ورود به مجلس ضرورت دارد علاوه بر قانون اساسی و قانون مدنی، شرح وظایف هریک از قوا و شرح هایی را که بر آنان نوشته شده، بخوانند و کتاب روح القوانین مونتسکیو و موضوع قانونی آن یعنی تفکیک قوا را به دقت ملاحظه کنند و به اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی که قوا را مستقل می شناسد، وفادار بمانند. مجلس وظیفه قانون گذاری و نظارت را بر عهده دار است و قوه مجریه، مجری قانون است که به تصویب مجلس می رسد و قوه قضائیه نیز امور قضائی را عهده دار است. قوه مجریه در امر قانون گذاری نباید مداخله کند و نمایندگان مجلس حق مداخله گری و عزل و نصب و اخراج و استخدام را ندارند، جز در حیطه نظارت عمومی در چارچوب قانون و رای به وزرا و استیضاح و سؤال از رئیس جمهور و دولت. مجلس باید در زمینه قانون گذاری هم قوانینی را تصویب کند که مورد نیاز عموم مردم است و به طور عرف، آن را پذیرفته و به آن عمل می کنند. شان نمایندگان دخالت در امور اجرائی و کارجاق کنی و عزل و نصب بخشدار و فرماندار و مدیر و کارمند و مداخله در کار شرکت ها و تعیین مدیرعامل و هیئت مدیره و اصرار بر استخدام این و آن نیست. قانون اساسی بر مداخله نکردن قوا در امور یکدیگر تصریح دارد و مقام رهبری بارها بر مداخله نکردن نمایندگان در امور اجرائی تاکید کرده اند. در کشور، انبوهی از ناترازی و نابرابری و بی کاری و فقر و فساد نهانیده شده، تهدید خارجی و تحریم و تورم و رکود و کمبود برق و گاز و آب و هوا، تولید را زمین گیر و تجارت را به افساد و افلاس کشانده، که نمایندگان باید وقت خود را به ساماندهی امور مهم مصروف کنند. مجلس راس امور، مجلسی نیست که مسائل اساسی کشور را نادیده گرفته و در کارهای غیرمرتبط و جزئی به لابی گری و مداخله گری بپردازد.